



سایت جامع آثار فمینیستی

www.daadaar.com

نام مقاله	قانون بی سنگسار با معجزه درست نمی شود!
نویسنده مقاله	ممبوه عباسقلی زاده
تعداد صفحه	۴
تاریخ تمریر	۱۳۸۵/۰۸/۲۷
نام سایت	میدان زنان
آدرس url	http://www.meydaan.org/showarticle.aspx?arid=89&cid=46

قانون بی سنگسار با معجزه درست نمی‌شود!

آیا به کمپین قانون بی سنگسار امیدی هست؟

بعضی از اهالی وبلاگستان می‌گویند که این فعالیت‌ها بی‌فایده است و تا حالا هم نتوانسته کار اساسی‌ای پیش ببرد. خوب این فایده‌گذاری بر اساس چه هدفی مطرح می‌شود؟ بله اگر بناست با این فعالیت‌ها معجزه شود و یک شبه همه چیز تغییر کند و ایران دموکراتیک شود، از همان اول راه را اشتباه انتخاب کرده‌ایم. نه با این نوع کمپین‌ها می‌توان معجزه کرد و نه حتی با تهاجم نظامی و تغییر جبری رژیم سیاسی. تغییر، مستلزم زمان است و باید از دل مردم بجوشد و این کار نیاز به تمرین دموکراسی و خودآگاهی جمعی و... دارد. چقدر تجربه افغانستان و عراق در برابر تغییرات یک شبه مثال خوبی است برای این موضوع به خصوص وقتی می‌بینیم که باعث قطبی شدن و مشروعیت بیشتر نهادهای سنتی شده است.

دوستان خوب آن طرف آب! بحث این نیست که ما چون داخل ایرانیم و امکانات مان محدود است و بچه کوچک و خانواده داریم و تلفن مان کنترل است و هر روز بازجویی می‌شویم، این شیوه و این نوع کمپین را انتخاب کرده‌ایم. حتی اگر همه اینها هم نبود و ما هم کنار شما بودیم، و وضعیت زنان و دموکراسی و قدرت و قانون و... به همین وضع بود که هست، باز هم همین کار را می‌کردیم. بنابراین مسأله میزان ریسک‌پذیری ما نیست، بلکه بافت و کانتکست اجتماعی و سیاسی ایران است که تعیین می‌کند چه نوع موضوعی با چه استراتژی انتخاب شود.

خیلی فرق می‌کند که به عنوان یک فمینیست وارد این کمپین شویم یا فعال حقوق بشری یا یک ناراضی سیاسی. یعنی تاریخ مبارزه با سنگسار با سه تیپ بندی از گروه‌های فعال مشخص شده است. شاید بگوییم "چه فرقی می‌کند که چه کسی باشیم؛ برچسب زدن و دسته‌بندی کردن آدم‌ها و فرضیه پردازی‌های ذهنی غیر از آنکه جلوی همبستگی عمومی را بگیرد فایده‌ای ندارد، مهم این است که کاری کنیم که سنگسار تعطیل شود".

موضوع اصلاً خط‌کشی کردن انگیزه آدم‌ها و ارزش‌گذاری آنها نیست. بلکه تاثیر این انگیزه‌ها روی فرایند حرکت، نحوه تغییر شرایط موجود و نوع

هدف گذاری است.

خاستگاه و انگیزهٔ مبارزه با سنگسار دقیقاً بر جریان حرکت و نتیجهٔ آن اثر مستقیم دارد. اگر به درستی به تفاوت این سه تیپ و خاستگاه آن نگاه کنیم سه پیام متفاوت را به صورت زیر خواهیم یافت :

پیام گروه اول (اپوزیسیون سیاسی) : حذف سنگسار برای حذف رژیم

پیام گروه دوم (مدافعان حقوق بشر):حذف سنگسار برای حفظ کرامت انسانی

پیام گروه سوم (جنبش فمینیستی) : حذف سنگسار برای حذف تبعیض علیه زنان.

گروه اول هم سابقهٔ زیادی در مبارزه علیه سنگسار دارد و هم تربیون و ادبیات و فیلم و... اما مشخص ترین فرقی گروه اول با دوم و سوم این است اگر مجازات سنگسار و همهٔ قوانین ضد حقوق بشری و ضد زن از صفحات قانون اساسی و قوانین مدنی و حتی سیاستها و رویه‌های حکومتی حذف شود، همچنان این هدف پا برجاست : حذف رژیم جمهوری اسلامی.

اما چه فرقی بین گروه دوم و سوم یعنی حقوق بشری‌ها و فمینیست‌ها وجود دارد؟

حقوق بشری‌ها بین مبارزه علیه اعدام و سنگسار اولییتی قائل نیستند، هر دو برخلاف کرامت و حق بشر است و حتی تعداد اعدامی‌ها چون از سنگساری‌ها بیشتر است، مبارزه علیه اعدام اولویت بیشتری پیدا می‌کند. حالا فرقی نمی‌کند انجام این مجازات‌ها در چه کشوری و با چه نظامی باشد.

اما با نگاه فمینیستی قضیه درست برعکس می‌شود و این سنگسار است که اولویت پیدا می‌کند.

همین اولویت نیز محدودهٔ چالش و مبارزهٔ جنبش فمینیستی را متوجه کشورهای اسلامی و مبارزه با سیستم مردسالارانه‌ای می‌کند که توسط حکومت

باز تولید می‌شود.

اولویت دادن به سنگسار در مقایسه با اعدام در نزد فمینیست‌های مدافع "قانون بی سنگسار" دو دلیل متفاوت دارد :

اول آنکه؛ اکثر قربانیان سنگسار زنان هستند، چون نه می‌توانند ادعای صیغه و تعددِ زوجات کنند و نه ادعای طلاق دادن طرفِ مقابل را. بنابراین سنگسار را می‌توان مجازاتی زنانه دانست.

و دوم اینکه؛ عشق ورزی نامشروع ریشه در قوانین و فرهنگ تبعیض آمیز و مردسالارانه‌ای دارد که گاه با فقر نیز درآمیخته و اکثر موضوعات مبتلا به زنان را در بر می‌گیرد.

در واقع عشق ورزی نامشروع نقطهٔ بحرانی و برآیند مسائلی است نظیر: ازدواج اجباری و حق طلاق و تعددِ زوجات تا انواع خشونت علیه زنان مثل تجاوز جنسی و قتل ناموسی و خون بس و... برخی آسیب‌های ناشی از فقر و خشونت مثل پدیدهٔ دختران فراری و زنان خیابانی و ترافیکِ زنان.

تبیین همین اولویت است که می‌تواند تا حدی چارچوبِ گفتمانِ فمینیستی را در حول و حوشِ سنگسار مشخص کند و بگوید چرا مدافعانِ کمپین "قانون بی سنگسار" در بین این همه مشکلاتی که زنان ایرانی دارند به سنگسار که قربانیانِ بسیار محدودتری از اعتیاد و مرگ و میرِ مادران حین زایمان و... دارد، پرداخته‌اند.

چرا؟ خیلی ساده است: با جستجوی علی سنگسار مجموعهٔ علی و معلولی از فرهنگِ مردسالارانه، تبعیضِ حقوقی و شکاف‌های طبقاتی را می‌توان به چالش کشید. فضای واقعی این چالش مسلماً بیشتر از اینکه در راهروهای قوهٔ قضائیه یا مجلس باشد، در بین خود مردم است.